

## بررسی ابعاد و نتایج کمک‌های دولت به تعاونی‌های تولیدی

(مورد مطالعه: تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی)

دکتر شمس‌الدین ناظمی\*

دانشیار گروه مدیریت دانشگاه فردوسی مشهد

مرجان فیاضی

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

علی نوری

دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده:

در این پژوهش ابعاد و نتایج کمک‌های دولت به تعاونی‌های تولیدی فعال استان خراسان رضوی و مقایسه آن با کمک‌های دولت به صنایع غیر تعاونی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، نمونه‌ای به حجم ۹۶ تعاونی تولیدی فعال در دو بخش صنعتی و معدنی بررسی شده است. اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق، توسط پرسش‌نامه و در قالب حمایت‌های ارائه شده در ۴ بخش تسهیلات فیزیکی، تکنولوژیکی، تجاری و آموزشی گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۷۸٪ از تعاونی‌های تولیدی فعال هیچ‌گونه حمایت و کمکی را از طرف دولت دریافت نکرده‌اند و تنها ۲۲٪ از آنها دریافت حمایت از دولت را تأیید کرده‌اند. مقایسه بین میزان حمایت‌های واقعی ارائه شده به تعاونی‌های تولیدی با میزان حمایت‌های مورد انتظار آنها نیز نشان می‌دهد که اختلاف معنی‌داری بین میانگین حمایت‌های واقعی و میانگین حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی وجود دارد. این در حالی است که بیشترین اختلاف بین میانگین حمایت‌های واقعی و میانگین حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی نیز به ترتیب در بخش‌های تجاری، تسهیلات فیزیکی، تکنولوژیکی و آموزشی دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تعاون، تعاونی‌های تولیدی، سیاست‌های حمایتگری

## An investigation into the state supporting policies towards co-operative firms, Case of: Khorasan Razavi manufacturing firms

**Shamsodin Nazemi,**  
 Associate professor, Ferdowsi  
 University of Mashhad  
**Marjan Fayazi,**  
 PhD student, Allameh Tabatabai  
 University  
**Ali Nouri,**  
 PhD student, Tarbiat Modares  
 University

### Abstract

The main objective of this study is to explore the areas of state support towards regional co-operative manufacturing firms. A sample of 96 manufacturing and mining firms that were selected through proportional sampling plan, were provided with a designed questionnaire based on the theoretical concept of the context as well as previous research in the domain. The findings of the study revealed that 78 percent of co-operative firms have no record of receiving support from state administration offices. A comparison between actual services delivered to the firms by national or local state offices with the expected supports as suggested by their top managers is an indication of significant gap. On the basis of the research findings however, such a gap is not identical for the four different categories of physical facilities, commercial, technological, and training services that are recognized widely as supporting areas.

**Keywords:** co-operative, manufacturing firms, supportive policies

### مقدمه

مروری بر مؤلفه‌های توسعه اقتصادی در برخی از ممالک جهان نشان می‌دهد که در سالهای اخیر، بیشتر کشورهای در حال توسعه برای نیل به قله رفیع توسعه یافتگی، از راهبردهای اقتصادی متعددی استمداد طلبیده‌اند. آنها همواره سعی کرده‌اند تا علم و عمل را در بهره‌گیری دقیق از منابع انسانی و مادی، صرف برنامه‌ریزی طرح‌های اقتصادی کنند. یکی از راهبردهای اقتصادی که بسیاری از این کشورها از آن استقبال کرده‌اند، مشارکت دادن مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. از این رو، ایجاد و گسترش تشکل‌های اقتصادی تعاونی از جمله برنامه‌های اقتصادی مد نظر آنها

بوده است. در حقیقت مفهوم و فلسفه تعاونی آن است که به تلاش و کوشش خود، بیش از حمایت و پشتیبانی بها داده شود؛ تا از این طریق بستر لازم برای به ثمر رساندن رشد شخصیتی و ارتقای توانمندی‌های ذهنی و فکری اعضای تعاونی‌ها مهیا گردد (Wasylishy, 1999 : 68).<sup>۱</sup> در بسیاری از کشورها، تعاونی‌ها منشاء ارائه خدمات در صحنه تجاری هستند و همین امر موجب جذب مشارکت افراد جدید در فعالیت‌های اقتصادی شده است (Sabbaghe Kermani and Agheli, 2005 : 136). آمارها گویای رشد گسترده شرکت‌های تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی کشورهای مختلف جهان و افزایش فزاینده درآمدها و منابع در این شرکت‌ها است (Gagliardi, 2009 : 122).<sup>۲</sup>

تعاون به شکل سنتی از دیرباز در جامعه ایران رایج بوده و ریشه در اعتقادات، باورها، سنت‌ها و فرهنگ مردم داشته است. نگرشی بر تاریخ تحولات اجتماعی ایران نشان می‌دهد که مردم ایران در قالب همکاری‌های سنتی، دستاوردهای بسیار بزرگ داشته‌اند که در نوع خود درخور ستایش است (Amini and Ramezani, 2007 : 68). در این راستا دولت (کشورما) نیز خصوصاً در دو دهه اخیر، از این راهبرد اقتصادی بسیار حمایت نموده و در جهت گسترش آن تلاش‌های فراوانی به عمل آورده است. هم‌اکنون، انواع شرکت‌های تعاونی در سطح کشور به نحوی فزاینده گسترش یافته‌اند و مردم نیز ارتباط روزافزون و تنگاتنگی با این نهادهای اقتصادی مشارکتی دارند. باید اشاره داشت که تعاونی‌ها در تمام کشورها به نوعی با هفت اصل تعاونی راجدیل اداره می‌شوند که در سال ۱۸۴۴ توسط ۲۸ نفر و با ۲۸ پوند شروع به کار کرد (Benoit, 1991 : 56).<sup>۳</sup> برپایه مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نهضت تعاونی به منزله الگوی مناسب نهاد اقتصادی مشارکتی، در تمام (جای جای جهان) پذیرفته شده است و یک منبع مطمئن، اصیل و مشارکتی برای برآورده ساختن نیازهای اساسی مردم به دست خودشان به شمار می‌رود. علاوه بر این، نهضت تعاونی به عنوان راهبردی مؤثر برای شتاب دادن روند توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز مورد استقبال قرار گرفته است. با توجه به اینکه در اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، بخش تعاون به

1 - Wasylishy

2 - Gagliardi

3 - Enoit

عنوان یکی از ۳ بخش اقتصادی کشور مطرح شده است، لذا حمایت از تشکل‌های نوپا در بخش تعاون در ایران ضروری به نظر می‌رسد. اما باید توجه داشت که ارائه هر نوع کمک یا اعطاء تسهیلات باید بر مبنای اصول پذیرفته شده حمایت‌گری از تعاونی‌ها، طراحی و اجرا شود تا شرکت‌های تعاونی، بخصوص تعاونی‌های تولیدی را در دستیابی به مزیت‌های رقابتی برای حضور قدرتمندتر در بازارهای رقابتی داخل و خارج کمک نماید. به اعتقاد گریپس رود و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، مداخله دولت در امور تعاونی‌ها تنها در محدوده حفظ منافع اعضای در یک چارچوب قانونی، توجیه پذیر است. با این وجود به نظر می‌رسد در کشور ما تعاون و گرایش به تعاون بیشتر به دلیل برخورداری از منافع کوتاه مدت آن مورد توجه قرار گرفته است. دولت اگر چه تعاونی‌ها را به عنوان دومین بخش اقتصادی معرفی کرده است، اما می‌توان ادعا کرد که دولتمردان و سیاست‌گذاران نیز از درک واقعی بخش تعاون عاجز بوده و هرگز خواستار تحقق تعاون به معنای واقعی نبوده‌اند (Amini and Ramezani, 2007 : 123). در این مقایسه به بررسی و مطالعه میزان کمک‌ها و حمایت‌های دولت از این بخش پرداخته شده است.

### مبانی نظری

#### الف) تعاونی‌های تولیدی

تعاونی‌های تولیدی یکی از انواع تعاونی‌هایی است که به نوبه خود از اهمیت خاصی برخوردار است. در حقیقت برای افزایش ظرفیت تولید اقتصادی و برای تحقق یک نظام اقتصادی مناسب که در آن نه دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ و مطلق درآید و نه ثروت و قدرت اقتصادی در دست افراد و گروه‌های خاصی متمرکز شود، ایجاد تعاونی‌های تولیدی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد (Rouhi Azizi and Mahdavi, 2002 : 44). براساس ماده ۲۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تعاونی‌های تولیدی شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌کنند (Ghafari, 2005 : 52). کل تعاونی‌های

1 - Gripsrud et al

تولیدی کشور ۴۱۵۳۵ تعاونی در گرایش‌های مختلف کشاورزی، صنعت، معدن، تأمین نیاز تولید کنندگان و فرش دستباف می‌باشد، که این رقم معادل ۴۷/۷۶ درصد از کل تعاونی‌های کشور است. ۲۹/۹۸ درصد از سرمایه ثبتي کل تعاونی‌های تشکیل شده تا پایان دی ماه سال ۱۳۸۴ مختص تعاونی‌های تولیدی است. ۱۲/۲۰ درصد از اعضای کل تعاونی‌های تشکیل شده تا پایان دی ماه سال ۱۳۸۴ مختص تعاونی‌های تولیدی می‌باشد. ۶۵/۲۸ درصد از اشتغال ایجاد شده توسط کل تعاونی‌های تشکیل شده تا پایان دی ماه سال ۱۳۸۴ مختص تعاونی‌های تولیدی می‌باشد. در واقع ۴۷/۷۶ درصد از کل تعاونی‌ها (تولیدی) ۶۵/۲۸ درصد اشتغال را ایجاد نموده اند. اعداد و ارقام بالا بیانگر سهم بالای تعاونی‌های تولیدی در بخش تعاون است (Hedayati, 2006 : 37).

### ب) حمایت‌گری

حمایت‌گری به سیاست‌های ملی حفاظت از فعالیت‌های معین در درون کشورها در مقابل رقبای خارجی اطلاق می‌شود که از طریق آن از ورود کالاهای خارجی به داخل کشور ممانعت به عمل می‌آید، یا از طریق وضع تعرفه، کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای مشابه داخلی به مراتب گران تر عرضه می‌شود. در عرصه نظری برای حمایت‌گری دلایلی مانند ضرورت حمایت از صنایع نوزاد، صرفه‌های خارجی، ورود فناوری، بهبود اشتغال و تراز پرداخت‌ها، مبارزه با دامپینگ و تأمین امنیت ملی ذکر می‌شود. در مقابل، انتظار می‌رود تولیدکنندگانی که از حمایت برخوردار می‌شوند، منافع حاصل از حمایت‌های دریافتی را به سود منافع ملی تقویت نمایند. علائق ملی نیز در این زمینه می‌تواند سبب ساز نتایج مثبتی همچون حمایت اصولی از صنایع نوپا، بهبود امنیت ملی، حفظ و ارتقای سطح اشتغال و درآمد مردم، حفظ و تقویت تراز پرداخت‌ها، تنوع بخشی به تولید، ایجاد ثبات اقتصادی و افزایش نرخ رشد آن، باشد.

تئوری سنتی اقتصاد (ثابت کرد) که در کنار نقش‌هایی همچون حفظ مکانیزم بازار، اصلاح نارسائی‌های نظام بازار، کنترل تقاضای کل، حفظ و بهبود سطح درآمد جامعه، استفاده از ابزارهای تعدیل اقتصادی در صورت لزوم، تنظیم نظام مالیاتی، تأمین کالاهای عمومی و استفاده از سیاست‌های کلان اقتصادی که بر عهده دولت می‌باشد، مهمترین نقش دولت که در سال‌های اخیر توجه محققین و اقتصاددان‌ها را به خود معطوف کرده است، نقش ارشادی دولت در نظام بازار است. به موجب این نقش، دولت برای کمک به اقتصاد و جهت دادن به آن در مسیر مورد نظر،

محرك‌های لازم را فراهم آورده و بين فعاليت‌های خود و بخش خصوصي هماهنگي مؤثر را برقرار می‌سازد. از جمله‌ی این سیاست‌ها می‌توان کمک به بخش خصوصي برای توسعه صنعتی به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه از طریق محرك‌هایی همانند استفاده از سیاست‌های توسعه صنعتی، کمک به ارتقای فعاليت‌های نوآورانه، تقويت نهادهای تحقیقاتی و توسعه‌ای در بخش غیردولتی و ارائه خدمات حمایتی را نام برد (Nazemi, 2000).

با توجه به نقش تعاون در اقتصاد کشور و در نظر گرفتن اصل ۴۴ قانون اساسی، ارائه حمایت‌های منطقی در چارچوب سیاست‌های حمایت‌گری از جمله نیازمندی‌های اساسی این بخش از اقتصاد به شمار می‌رود. مطالعات نشان داده است که تعاونی‌ها در کشورهای جهان سوم، شبه تعاونی‌هایی هستند که توسط مؤسسات دولتی از بالا تحت کنترل قرار می‌گیرند و تلاش برای (خود محور ساختن) آنها به نتایج مثبتی منتج نشده است (Verhagen, 1980 : 102).<sup>۱</sup> این در حالی است که در جوامع در حال توسعه، حمایت‌های منطقی دولت و استفاده از سیستم‌های مدیریتی پیشرفته باعث ارتقای عملکرد و حفظ ارزش‌ها و اهداف تعاونی‌ها خواهد شد. باید اشاره داشت که استفاده از این نوع سیستم‌های مدیریتی، جایگاه حاکمیت دموکراتیک تعاونی‌ها را در ساختار تعاونی‌ها از بین نمی‌برد؛ بلکه مکمل و تقویت‌کننده آن نیز می‌باشد و از این طریق شرکت‌های تعاونی را برای پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای مشتریان و اعضای تعاونی‌ها آماده سازد (Davis, 2001 : 93).<sup>۲</sup>

### سابقه و پیشینه‌ی تحقیق

در ارتباط با حمایت از بخش تعاون مطالعات معدودی انجام شده است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد. اما قبل از آن عملکرد تعدادی از کشورها در قبال بخش تعاونی را از نظر خواهیم گذراند تا با نحوه‌ی حمایت سایر دولت‌ها از تعاونی‌ها نیز آشنا شویم. (در کشورهای فنلاند و آلمان که بخش اعظم فعاليت‌های اقتصادی آنها در تعاونی‌ها انجام می‌گیرد، اکنون دیگر تنها تأمین منافع مادی اعضا هدف این تعاونی‌ها نمی‌باشد)، بلکه به کار گرفتن امکانات تعاونی‌ها

1 - Verhagen

2 - Davis

به سود کل جامعه و تعالی فرهنگی و اجتماعی مردم از اهمیت خاصی برخوردار است. طبق قوانین دولت در کشورهای فنلاند و آلمان، در حال حاضر دیگر تنها هدف تعاونی‌ها (که مرکز انجام بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها هستند) تأمین منافع مادی برای اعضا نیست که، فعالیت‌های اقتصادی معینی در بعضی مناطق به وسیله شرکت‌های تعاونی با موفقیت انجام می‌شود، نباید توسط مؤسسات دیگر صورت بگیرد را نیز شامل می‌شود. این امر ناشی از توجه به منافع اقتصاد ملی و تحقق توزیع عادلانه فرصت‌ها در زمینه مشاغل تولیدی و تجاری است. اقدامات دولت‌های اندونزی و مصر نیز نشان می‌دهد که در این کشورها، شرکت‌های تعاونی در بخش صاحبان حرفه از حمایت دولت برخوردارند و رقابت واحدهای صنعتی خصوصی به نفع شرکت‌های تعاونی با تمهیدات خاصی محدود می‌گردد. علاوه بر آن، توسعه تعاونی‌های تولیدی، صنعتی و حرفه‌ای نیز به برخی از رشته‌ها منحصر شده است، یعنی رشته‌هایی که احتیاجات بازارهای محلی یا منطقه‌ای را مرتفع می‌سازند و شاید به همین دلیل است که اساساً توانسته‌اند از رقابت با واحدهای بزرگتر و نیرومندتر تولیدی در امان بمانند.

اما با توجه به قوانین و مقررات کشور هندوستان در مورد تعاونی‌ها و کارکردهای قابل توجه آن، در این کشور، اختیاراتی از لحاظ دخالت در امور تعاونی‌ها از جمله تداوم مسأله آموزش، تلاش در اشاعه تعاون و نظارت گسترده بر امور شرکت‌های تعاونی، به دولت تفویض شده است. به علاوه در این بین، بخشودگی‌هایی نیز نظیر معافیت از پرداخت حق تمبر و مالیات بر درآمد، به این شرکت‌ها اعطا شده است.

دولت کره جنوبی نیز امتیازات و معافیت‌های مالیاتی خاصی را برای تعاونی‌های کشاورزی در نظر گرفته است. در حال حاضر، نرخ مالیات برای تعاونی‌های کشاورزی در سطحی پایین تر از نرخ‌های معمولی (محاسبه) می‌شود. به علاوه، تعاونی‌های کشاورزی نیز از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده که در شرکتهای بازرگانی به میزان ۰/۱۰ تعیین شده است، معاف می‌باشند. همچنین، هیچگونه افزایشی در قیمت خدمات و مایحتاج مزارع کشاورزی صورت نمی‌گیرد، ضمن آنکه به تعاونی‌ها اجازه داده شده است تا به رقابت با فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی نیز بپردازند (Farafarin, 2004 : 64).

بر اساس نتایج تحقیقات انجمن کشاورزی استرالیا<sup>۱</sup>، میزان مشارکت اعضا با موفقیت شرکت‌های تعاونی تأثیر مستقیم دارد. از طرف دیگر، میزان مشارکت اعضا با عواملی از قبیل اعتقاد و آگاهی به اصول تعاون (نیازهای آموزشی بخش تعاون)، و نیز میزان رضایت اعضا و کارکنان تعاونی‌ها در ارتباط است (Australian Agricultural Council, 1988 : 79). دفتر بین‌المللی کارگران<sup>۲</sup> نیز، ویژگی‌های اجتماعی نیروی انسانی درون سازمانی (کارکنان و مدیران) از قبیل میزان شناخت آنها نسبت به اصول تعاون، مشارکت، آگاهی، سطح سواد، کیفیت نیروی انسانی و آشنایی با اهداف سازمان (نیازهای آموزشی بخش تعاون) و نقش سیاست‌های دولت را در موفقیت تعاونی‌ها موثر دانسته‌اند (International Labor Office, 2000 : 110). مطالعات شوفانگ و لئونارد<sup>۳</sup> در تعاونی‌های کشاورزی نیز، نشان از تأثیر خدمات آموزشی بر عملکرد تعاونی‌ها دارد (Shufang and Leonard, 1998 : 83). روزوا و همکارانش<sup>۴</sup> در مطالعه تعاونی‌های کشاورزی ایتالیا به این نتیجه رسیدند که ارائه کمک‌های آموزشی به مدیران و اعضای تعاونی‌ها از جمله مهم‌ترین نیازهای این بخش از اقتصاد در راه رسیدن به خوداتکایی به شمار می‌آید. چرا که مطالعات آنها نشان داد، بسیاری از اعضای تعاونی‌ها از اصول و قواعد حاکم بر این نوع تشکل‌ها، فواید همکاری در بخش تعاون و عواملی از این قبیل آگاهی کامل ندارند (Russoa et al, 2000 : 64). نتایج حاصل از پژوهش‌های آلبرت تویجنمن<sup>۵</sup> که در بخش‌های مختلف اقتصاد در ۲۴ کشور دنیا انجام پذیرفت، حکایت از این دارد که ارائه آموزش‌های باکیفیت (رسمی و یا غیر رسمی)، از جمله مهمترین متغیرهایی است که در افزایش کارایی بخش تعاون و ایجاد درآمد بیشتر برای آنها بیشترین تأثیر را دارد. (Tuijenman, 2000 : 39).

در ارتباط با سایر زمینه‌های حمایتی نیز مطالعاتی انجام شده است که از مهمترین آنها می‌توان به مطالعه ای که توسط دی‌دی<sup>۶</sup> در بین تعاونی‌های کشاورزی کشور فیلیپین صورت پذیرفت،

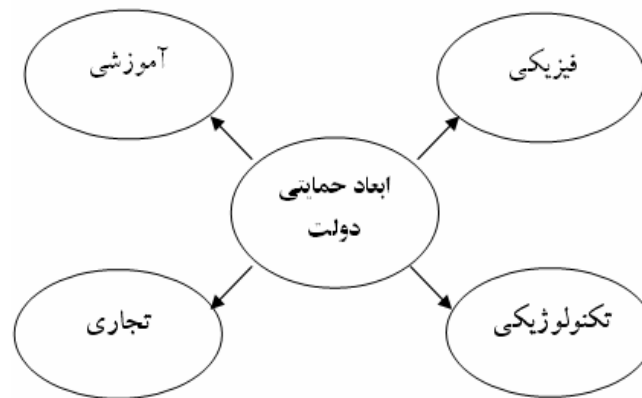
- 
- 1 - Australian Agricultural Council
  - 2 - International Labor Office
  - 3 - Shufang & Leonard
  - 4 - Russoa & et al
  - 5 - Albert Tuijenman
  - 6 - Didi



اشاره داشت. نتایج این مطالعه نشان داد که کیفیت آموزش‌های ارائه شده به تعاونی‌ها و در نظر گرفتن تسهیلات مالی نقش بسزایی در موفقیت تعاونی‌های کشاورزی داشته است (Didi, 2004 : 66). در مطالعه انجام شده توسط برودر ۱ در سال ۱۹۸۳ در بین صنایع کوچک و متوسط کشور آلمان در مناطق شهری، مشاهده شد که این صنایع به منظور انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه خود از منابع مالی کافی برخوردار نمی‌باشند. این در حالی است که شرکت‌هایی که در مناطق اقتصادی ضعیف کشور آلمان مشغول فعالیت می‌باشند نیز از لحاظ دسترسی به افراد فنی و متخصص دچار مشکل می‌باشند. با مشاهده این موانع، دولت آلمان تصمیم گرفت تا با ارائه کمک‌های مالی به منظور فعالیت در زمینه‌های تحقیق و توسعه و نوآوری با هدف دسترسی به اطلاعات فنی و امکانات تحقیقاتی، صنایع کوچک و متوسط کشور آلمان را در بهبود عملکرد آنها یاری نماید (Bruder, 1983 : 75).

### مدل تحقیق

با مطالعه تحقیقات انجام شده در بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله صنایع کوچک و متوسط و تعاونی‌های موجود در جوامع و بررسی نحوه‌ی عملکرد دولت در قبال اینگونه صنایع و چارچوب‌های حمایتی ارائه شده از سوی دولت، بر اساس چارچوب ارائه شده در شکل ۱ ابعاد و نتایج کمک‌های دولت به تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی و مقایسه آن با کمک‌های دولت به صنایع غیر تعاونی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. ابعاد و مدل در بخش کمک‌های فیزیکی شامل، زمین، تسهیلات مالی، معافیت‌های مالیاتی و گمرکی است. بخش حمایت‌های تکنولوژیکی مواردی چون اطلاع رسانی از تکنولوژی‌های جدید و کمک در انتخاب تکنولوژی مناسب را در بر می‌گیرد. در بخش کمک‌های تجاری تسهیلات و مشوق‌های صادراتی و کمک به بازاریابی محصول و در بخش حمایت‌های آموزشی ارائه خدمات آموزشی و خدمات مشاوره حقوقی را شامل می‌شود.



شکل ۱: مدل تحقیق

### سؤال‌های تحقیق

سؤال‌های اساسی این تحقیق به شرح ذیل است:

- ۱- آیا بین سیاست‌های حمایتی دولت در بخش تعاون و سایر بخش‌های تولیدی کشور تفاوتی وجود دارد؟
- ۲- آیا حمایت‌های دولت از تعاونی‌های تولیدی خراسان رضوی متناسب با نیازها و انتظارات و حل مشکلات آنها مؤثر واقع شده است؟
- ۳- آیا دولت به تمام ابعاد و زمینه‌های حمایتی مورد نیاز این تعاونی‌ها واقف است؟

### روش تحقیق

لذا نوع تحقیق کاربردی است، چون این مطالعه به دنبال بدست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه‌ها و نظرات افراد مختلف است، ماهیت تحقیق پیمایشی می‌باشد. اطلاعات مربوط به تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی به منظور مقایسه بین حمایت‌های بعمل آمده از آنها با حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌ها با استفاده از پرسش‌نامه جمع آوری شده است. ضمن آنکه برای انجام مقایسه در مورد سیاست‌های حمایتی دولت در قبال تعاونی‌ها با شرکت‌های غیر تعاونی، از مطالعه اسنادی و همچنین اطلاعات ارائه شده توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تولید کنندگانی است که در قالب تعاونی در استان خراسان

رضوی به فعالیت تولیدی (تبدیل مواد به محصول نهایی یا نیمه نهایی و واسطه ای) مشغول هستند. برای تعیین حجم نمونه از رابطه نسبت استفاده شده است. برای این منظور فرض آن است که:

نسبت واحدهایی که از حمایت دولت برخوردار می‌باشند:  $P$

نسبت واحدهایی که از حمایت دولت برخوردار نمی‌باشند:  $q$

با توجه به اینکه نسبت  $p$  مشخص نمی‌باشد، بالاترین عدد ممکن برای نمونه با در نظر گرفتن  $P = 0.5$ ،  $q = 0.5$ ، ضریب خطای مجاز  $(\varepsilon)$ ، ۱۰ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.1)^2} = 96.04 \approx 96$$

$$n = \frac{\left(z_{\alpha/2}\right)^2 p \cdot q}{\varepsilon^2}$$

با توجه به اینکه  $N = N_1 + N_2$  که در آن

تعداد واحدهای تولیدی فعال بخش صنعتی  $N_1 = 318$  و

تعداد واحدهای تولیدی فعال بخش معدنی  $N_2 = 74$  است، داریم:

$$N = 318 + 74 = 392 \text{ (حجم جامعه آماری)}$$

بنابراین حجم نمونه برای هر یک از ۲ بخش صنعتی و معدنی به شرح زیر می‌باشد:

$$n_1 = \frac{N_1}{N} \times n = \frac{318}{392} \times 96 = 77.87 \approx 78$$

$$n_2 = \frac{N_2}{N} \times n = \frac{74}{392} \times 96 = 18.12 \approx 18$$

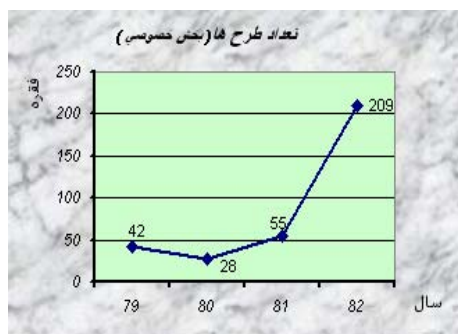
### تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها

داده‌های جمع آوری شده از طریق پرسش‌نامه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا علاوه بر آمار توصیفی و استنباطی، برای مقایسه حمایت‌های

انجام شده با شرایط مورد انتظار تعاونی‌ها از آزمون مقایسه کای دو<sup>۱</sup> استفاده شده است.

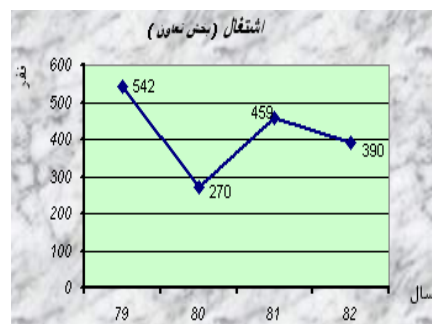
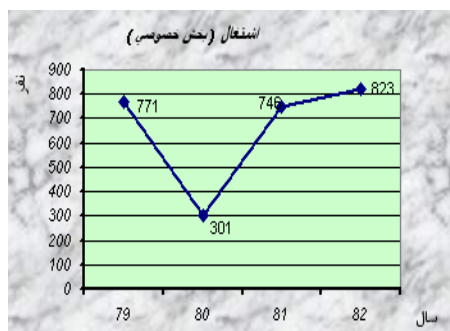
### الف) نتایج مطالعات اسنادی

در این بخش، با توجه به اطلاعات ارائه شده توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی، عملکرد دو بخش خصوصی و تعاون از لحاظ تعداد طرح‌های اجرایی، میزان اشتغال زایی و میزان تسهیلات تکلیفی تخصیص یافته به آنها در طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۷۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن نیز در نمودارهای مربوطه ارائه شده است. در نمودارهای ۱ و ۲، روند موجود در تعداد طرح‌های اجرایی در دو بخش تعاون و خصوصی آورده شده است. ملاحظه می‌شود که از لحاظ روند تعداد طرح‌های اجرایی، هر دو بخش خصوصی و تعاون در طی دوره ۸۲-۷۹، روند مشابهی را طی نموده‌اند. نکته قابل تأمل، توجه بیشتر دولت به بخش خصوصی و در عین حال، عملکرد رضایتبخش آنها نسبت به بخش تعاون می‌باشد، چرا که هم میزان کاهش تعداد طرح‌ها از سال ۷۹ تا ۸۰ در بخش خصوصی نسبت به بخش تعاون کمتر بوده و هم میزان افزایش آنها از سال ۸۰ تا ۸۲ در این بخش نسبت به بخش تعاون بیشتر می‌باشد.



نمودار ۱: روند تعداد طرح‌های اجرایی در بخش تعاون  
نمودار ۲: روند تعداد طرح‌های اجرایی در بخش خصوصی

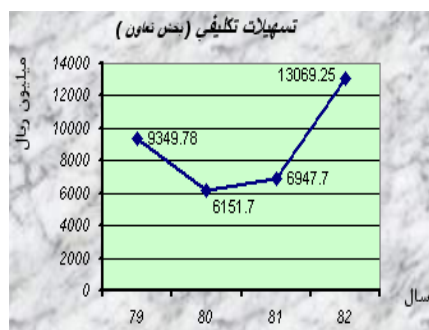
در نمودارهای ۳ و ۴، روند میزان اشتغال زایی دو بخش تعاون و خصوصی آورده شده است.



نمودار ۴: روند اشتغال زایی در بخش خصوصی

نمودار ۳: روند اشتغال زایی در بخش تعاون

روند اشتغال زایی در بخش خصوصی با روند تعداد طرح‌های اجرایی این بخش همسویی دارد که این امر می‌تواند دلالت بر شرایط مطلوب حاکم بر این بخش و برنامه ریزی دقیق مسئولین امر داشته باشد. اما روند اشتغال زایی در بخش تعاون با روند تعداد طرح‌های اجرایی این بخش، همسویی لازم را نداشته که این نکته می‌تواند به منزله عدم ثبات بخش تعاون در این شاخص و یا عدم برنامه ریزی صحیح دولت در ارتباط با حمایت از این بخش باشد. در نمودارهای ۵ و ۶ روند موجود در میزان تسهیلات تکلیفی پرداختی به دو بخش خصوصی و تعاون مشاهده می‌شود.



نمودار ۶: روند تسهیلات تکلیفی پرداختی در بخش خصوصی

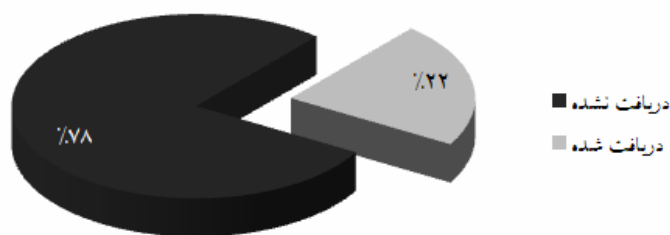
نمودار ۵: روند تسهیلات تکلیفی پرداختی در تعاون

ملاحظه می‌شود در بخش خصوصی، روند تسهیلات تکلیفی پرداختی در مقایسه با روندهای مشاهده شده در تعداد طرح‌های اجرایی و میزان اشتغال زایی این بخش، همسویی ندارد. در این ارتباط تنها می‌توان گفت که عملکرد دولت در برنامه ریزی تخصیص صحیح منابع ایرادات و نواقصی دارد. اما در بخش تعاون، روند قابل مشاهده در این شاخص، با روند تعداد طرح‌های اجرایی از همسویی کامل برخوردار بوده و با روند اشتغال زایی نیز تاحدودی همسو می‌باشد و بنظر می‌رسد که این شواهد می‌تواند به منزله برنامه ریزی صحیح مسئولین بخش تعاون در اجرای وظایف محوله باشد.

بطور کلی از نمودارها و آمار و ارقام ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گیری نمود که علیرغم تأثیر یکسان و نقش کلیدی بخش تعاون در تحقق اهداف چشم انداز ۲۰ ساله کشور، حمایت‌های بعمل آمده از این بخش تاحدودی نامطلوب، نامناسب و ناکافی بنظر می‌رسد که این امر باید در کانون توجه مسئولین امر قرار گیرد.

#### ب) نتایج حاصل از مطالعه میدانی

بخش اول مطالعه میدانی به بررسی میزان کمک‌های دریافت شده و دریافت نشده تعاونی‌های تولیدی اختصاص دارد. بعد از بررسی داده‌های گردآوری شده توسط پرسش‌نامه، مشخص گردید که ۷۸٪ از تعاونی‌های تولیدی، هیچ گونه کمک و حمایتی را در ۴ بخش فیزیکی، تکنولوژیکی، تجاری و آموزشی دریافت نکرده اند و تنها ۲۲٪ از آنها، دریافت کمک و حمایت از دولت را تأیید نموده اند. نمودار ۷ این مفهوم را بهتر نشان می‌دهد:



نمودار ۷: نسبت حمایت‌های دریافت شده و دریافت نشده تعاونی‌های تولیدی

در نمودار ۸، حمایت‌ها و کمک‌های دریافتی تعاونی‌ها بر اساس درصد بیان شده است.



نمودار ۸: میزان کمک و حمایت دریافتی بر اساس درصد تعاونی‌ها

با توجه به نمودار، کاملاً مشخص است که بین درصد تعاونی‌های تولیدی که حمایتی را از دولت دریافت کرده اند، با درصد تعاونی‌های تولیدی که از اینگونه حمایت‌ها محروم مانده اند، تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. جدول زیر کمک می‌کند تا میزان اختلاف بین حمایت‌های دریافت شده و حمایت‌های دریافت نشده تعاونی‌های تولیدی را به تفکیک ۴ بخش اصلی بخوبی درک نماییم.

جدول ۱: میزان حمایت‌ها و شکاف بر اساس ۴ نوع کمک اصلی

نوع کمک‌ها و حمایت‌های ارائه شده	میزان حمایت‌ها (بر حسب درصد تعاونی‌ها)		درصد تعاونی‌های تولیدی که حمایتی را از دولت دریافت نکرده اند
	دریافت شده	دریافت نشده	
تسهیلات فیزیکی	٪۳۰	٪۷۰	٪۴۰
تکنولوژیکی	٪۹	٪۹۱	٪۸۲
تجاری	٪۱۲	٪۸۸	٪۷۶
آموزشی	٪۲۸	٪۷۲	٪۴۴

همانطور که از جدول مشخص است بیشترین میزان حمایت دریافت شده در بخش تسهیلات

فیزیکی و کمترین آن در بخش تکنولوژیکی است. از حیث درصد تعاونی‌های تولیدی که هیچگونه حمایت و کمکی را از طرف دولت دریافت نکرده‌اند و با در نظر گرفتن ۴ نوع کمک ارائه شده نیز، بخش تکنولوژیکی با ۸۲ درصد بالاترین رقم و بخش فیزیکی با ۴۰ درصد، پایین‌ترین رقم را بخود اختصاص داده‌اند.

در بخش دوم مطالعات میدانی بر میزان حمایت‌های واقعی و میزان حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی تمرکز شده است. در حقیقت در این قسمت به دنبال پاسخ این سوال هستیم که آیا بین میزان حمایت‌های واقعی ارائه شده به تعاونی‌های تولیدی و میزان حمایت‌های مورد انتظار آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر. در این راستا، داده‌های جمع‌آوری شده توسط پرسش‌نامه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس با توجه به اینکه دو متغیر کیفی مورد مقایسه قرار می‌گیرند، با استفاده از آزمون مقایسه کای-دو به بررسی فرضیه‌های مطالعه پرداخته شده است. این تجزیه و تحلیل نیز در ۲ بخش صورت گرفته است:

الف) مقایسه بین میزان حمایت‌های واقعی و میزان حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی در هر یک از ۱۴ نوع کمک دولت.

ب) مقایسه بین میزان حمایت‌های واقعی و مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی در ۴ بخش اصلی تسهیلات فیزیکی، تکنولوژیکی، تجاری و آموزشی.

به طور کلی، فرضیه‌ای که برای هر ۲ بخش مورد استفاده و بررسی قرار گرفته، به شرح زیر است:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 : \mu_O = \mu_E \quad \text{بین میزان حمایت‌های واقعی و میزان حمایت‌های} \\ \quad \text{مورد انتظار تعاونی‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.} \\ \\ H_1 : \mu_O \neq \mu_E \quad \text{بین میزان حمایت‌های واقعی و میزان حمایت‌های} \\ \quad \text{مورد انتظار تعاونی‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.} \end{array} \right.$$

باید عنوان نمود که آزمون فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام می‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در بخش "الف"، و در ارتباط با ۱۴ نوع کمک شناسایی شده دولت به تعاونی‌ها به شرح جدول ۲ می‌باشد.



جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه‌ها

تحلیل نتایج	Sig (p-value)	میانگین حمایت‌ها		کمک‌ها و حمایت‌های دولت
		مورد انتظار (E)	واقعی (O)	
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۰۹	۳/۴	۱/۶۴	تأمین زمین
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۱۸	۴/۰۵۵۶	۱/۸۸۸۹	تسهیلات مالی
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۴۸	۳/۹۶۱۵	۱/۲۳۰۸	معافیت مالیاتی و گمرکی
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۳۶	۴/۰۶۲۵	۲/۳۷۵۰	خدمات مشاوره مالی
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۴۲	۴/۰۳۳۳	۱/۹۳۳۳	تسهیلات برای تأمین مواد اولیه
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۴۷	۳/۶	۱/۳۳۳۳	اطلاع‌رسانی از تکنولوژی‌های جدید
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۲۶	۳/۲۵	۱/۳۲۱۴	کمک در انتخاب تکنولوژی مناسب
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۰۰	۳/۳۱۲۵	۱/۴۳۷۵	خدمات مشاوره‌ای در طراحی محصول
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۴۸	۳/۲۷۵۹	۱/۵۵۱۷	کمک به بازاریابی محصول
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۱۲	۳/۴۸	۱	تسهیلات و مشوق‌های صادراتی
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۰۶	۳/۵۴۵۵	۲/۳۹۳۹	ارائه خدمات آموزشی
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۰۳	۴/۰۷۱۴	۲/۵	خدمات مشاوره حقوقی
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۲۰	۳/۳۳۳۳	۱/۴۰۷۴	کمک به استقرار نظام کنترل کیفیت
اختلاف معنی‌دار وجود دارد (رد فرضیه $H_0$ )	۰/۰۳۴	۳/۵۶	۱/۰۴	کمک به بهینه‌سازی خطوط تولید

همانطور که ملاحظه می‌شود، در همه ۱۴ فرضیه موجود (که بر اساس ۱۴ نوع کمک شناسایی شده طراحی شده اند)، فرضیه  $H_0$  رد شده و ادعای مسأله که همان وجود اختلاف معنی‌دار بین میزان حمایت‌های واقعی و میزان حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی می‌باشد، تأیید می‌شود. نتایج نهایی تجزیه و تحلیل فرضیه‌های بخش "ب" در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه‌ها برای ۴ فرضیه‌ی اصلی

تحلیل نتایج	Sig (p-value)	میانگین حمایت‌ها		کمک‌ها و حمایت‌های دولت
		مورد انتظار (E)	واقعی (O)	
اختلاف معنادار وجود دارد (فرضیه $H_0$ )	۰/۰۴۰	۳/۸۹۲	۱/۸۰۸	فیزیکی
اختلاف معنادار وجود دارد (فرضیه $H_0$ )	۰/۰۱۹	۳/۳۸۶۷	۱/۳۶۶۷	تکنولوژیکی
اختلاف معنادار وجود دارد (فرضیه $H_0$ )	۰/۰۱۷	۳/۳۸	۱/۲۸	تجاری
اختلاف معنادار وجود دارد (فرضیه $H_0$ )	۰/۰۲۳	۳/۶۳	۱/۸۳۵	آموزشی

همان گونه که از جدول فوق بر می‌آید، در تمامی بخش‌های تسهیلات فیزیکی، تکنولوژیکی، تجاری و آموزشی، اختلاف معنی‌داری بین میانگین حمایت‌های واقعی و میانگین حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی وجود دارد که این امر در بخش‌های تسهیلات فیزیکی، تجاری و تکنولوژیکی بیشتر حائز اهمیت است. ضمن آنکه در چهار فرضیه تحقیق، ادعای مسأله که همانا وجود اختلاف معنی‌دار بین میزان حمایت‌های واقعی و میزان حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی می‌باشد، تأیید می‌شود.

### نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

تعاون به عنوان یک پدیده اقتصادی - اجتماعی با جنبه‌های فرهنگی و اخلاقی خاص خود، و با توجه به نقش اساسی آن در بهبود اشتغال، سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی و فرهنگی جوامع، از اهمیت بسزایی در میان ملل مختلف برخوردار است. عملکرد کشورهای اروپایی همچون سوئیس، فنلاند و آلمان نشان از تأثیر مثبت بخش تعاون در عملکرد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی این جوامع دارد.

در کشور ما نیز، در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، به ویژه در دو دهه اخیر، تعاونی‌ها رشد و گسترش بیشتری پیدا کرده اند ولی به دلیل نوپا بودن این نوع تشکل‌ها و محدود بودن آگاهی مردم از مزایای شرکت‌های تعاونی، موفقیت‌های چشمگیری در عملکرد این بخش حاصل نشده است که این امر لزوم توجه و حمایت دولتمردان را از این نوع تشکل‌های نوپا به منظور ادامه حیات آنها مورد تأکید قرار می‌دهد. در این بین باید توجه داشت که نظارت و حمایت دولت از واحدهای تولیدی، اعم از تعاونی و غیر تعاونی، باید بر اساس یک استراتژی برنامه ریزی شده و با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی و حرکت در قالب چهارچوب‌ها و مبانی نظری حمایت و سیاست‌های حمایتگری صورت پذیرد. چرا که حمایت‌های بیش از اندازه و بدون برنامه دولت، باعث پیدایش مشکلاتی همچون وابستگی شرکت‌های تعاونی به دولت در این نوع تشکل‌های مردمی می‌گردد.

نتایج بدست آمده از این پژوهش در بخش اول، نشان دهنده این امر است که بطور کلی، حمایت‌های ارائه شده توسط دولت به بخش تعاونی در مقایسه با حمایت‌های ارائه شده به بخش صنایع بسیار کمتر صورت پذیرفته است تا جایی که بنا بر نتایج تحقیق، مشخص گردید که ۷۸٪ از تعاونی‌های تولیدی، هیچ گونه کمک و حمایتی را در چهار بخش تسهیلات فیزیکی، تکنولوژیکی، تجاری و آموزشی دریافت نکرده اند و تنها ۲۲٪ از آنها، دریافت کمک و حمایت از دولت را تأیید نموده اند. البته باید عنوان نمود که این شکاف در بخش‌های تکنولوژیکی و تجاری بیشتر به چشم می‌خورد ولی در مقابل، دولت توانسته است در بخش‌های آموزشی و ارایه تسهیلات فیزیکی توفیق نسبی داشته باشد، هر چند که با انتظارات تعاونی‌های تولیدی فاصله وجود دارد. این در حالی است که بخش صنایع در این قبیل زمینه‌ها از حمایت‌های نسبتاً بیشتری برخوردار بوده است. به عنوان نمونه، تشکیل کمیته‌های تخصصی برای فناوری‌های جدید، ایجاد

سندوق‌های حمایتی برای صنایع، حمایت در قالب شهرک‌های صنعتی، وضع قوانین و مقررات حمایتی حاکم بر بخش صنعت در زمینه‌هایی همچون حمایت‌های مالیاتی، تسهیلات گمرکی و حمایت‌های مالی، اجرای طرح‌های تحقیقاتی صنعتی، آموزشی و اطلاع‌رسانی، اعطای تسهیلات برای تامین زمین و مواردی از این دست، از جمله حمایت‌های ارائه شده دولت به بخش صنایع می‌باشد.

مقایسه حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌های تولیدی با حمایت‌های به‌عمل آمده از آنها حکایت از این دارد که در تمامی چهار بخش تسهیلات فیزیکی، تکنولوژیکی، تجاری و آموزشی، میان حمایت‌های واقعی و حمایت‌های مورد انتظار، تفاوت چشمگیری وجود دارد که این امر در زمینه‌های تسهیلات فیزیکی، تجاری و تکنولوژیکی بیشتر حائز اهمیت است. باید یادآور شد که در چهار نوع کمک دولت، حمایت‌های به‌عمل آمده کمتر از حمایت‌های مورد انتظار تعاونی‌ها بوده است. بسیاری از تعاونگران معتقدند که شرکت‌های تعاونی بخصوص تعاونی‌های تولیدی، حمایت‌های ارائه شده در زمینه‌های تجاری و تکنولوژیکی همچون کمک برای شرکت در نمایشگاه‌ها، ارائه تسهیلات و مشوق‌های صادراتی، کمک در انتخاب تکنولوژی‌های تولیدی مناسب و... را کافی ندانسته و خواستار تغییر سیاست‌های حمایتی دولت در این ارتباط می‌باشند چرا که به عقیده آنها حمایت در این بخش‌ها لازمه موفقیت تعاونی‌ها، بخصوص تعاونی‌های تولیدی است.

بطور کلی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از نگاه تعاون‌گران، عملکرد دولت و حمایت‌های ارائه شده به تعاونی‌ها، بخصوص تعاونی‌های تولیدی در مقایسه با بخش صنایع بسیار ناچیز بوده و آنها خواستار توجه و حمایت بیشتر دولت در این ارتباط می‌باشند. در حقیقت آنها معتقدند که بخش تعاون به عنوان یکی از سه بخش اصلی اقتصاد کشور که همانند سایر بخش‌ها، در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور سهیم می‌باشد، نیازمند حمایت‌های یکسانی از سوی دولت است. در این بین، تعاونی‌های تولیدی نیز با توجه به ماهیت فعالیت‌های خود خواستار توجه بیشتر دولت در زمینه‌های ذکر شده می‌باشند. اما باید توجه داشت که شکاف منطقی بین انتظارات تعاونی‌های تولیدی و حمایت‌های دولتی امری بدیهی است. به عبارت دیگر، از یکسو تعاونگران باید انتظارات خود را بر مبنای واقعیت‌های حاکم بر فضای حمایت‌گری رشد دهنده دولت تنظیم نمایند و از سوی دیگر دولت نیز باید توجه داشته باشد که برای رشد و شکوفایی این نوع

تشکل های اقتصادی - اجتماعی نوپا، که می توانند در راستای سیاست های رشد و توسعه کشور گام های مناسب بردارند، حمایت بیشتر از تعاونی های تولیدی در قالب چهارچوب ها و مبانی نظری حمایت و سیاست های حمایتگری تا جایی که آن ها را نیاز مند به کمک های سهل الوصول دولتی نکند، توجیه پذیر است.

#### References

- 1- Amini, A. and Ramezani, M (1385), **Measurement and evaluation of success factors of cooperative firms in mazandaran and golestan provinces**, Journal of Agriculture and Natural Science, Vol.13, No.2
- 2- Amini, A. and Ramezani, M (1385), **Measurement and evaluation of success factors of cooperative meat production firms in Tehran province**, Journal of Agricultural Development, Vol.14, No.55, pp67-89
- 3- Rouhi Aziz, M., and Mahdavi, M (1380), **Cooperatives, and manufacturing unions, concepts and principles**, Taavon Monthly, No.125
- 4- Sabagh Kermani, M. and Agheli, L(1383), **Justification of cooperatives promotion plans and its position in chapter 3 economic development**, Modares, Vol.8, No. 2, pp127-148
- 5- Abasi, M. (1381), **Cooperatives in service sector, entrepreneurship, and job creation**, Cooperative Monthly, No.129
- 6- Ghafari, T. (1383), **Manufacturing cooperative firms in a glance**, Taavon Monthly, No.160
- 7- Farafrin, J. (1382), **A new outlook of state supports towards development of cooperative school, benchmarking experiences of selected countries**, Taavon Monthly, No.144
- 8- Nazemi, S. (1378), **An evaluation of strategic supports of power production and distribution equipments's firms**, Tavanir, Department of research and technology
- 9- Hedayati, M. (1384), **An investigation of the position of cooperative manufacturing firms among total cooperatives**, Taavon Monthly, No.174
- 10- Australian Agricultural Council (AAC) (1988). **"Working play on agricultural co-operative"**, agricultural co-operative in Australia, SCA Technical Report Series, Canberra.
- 11- Benoit, O (1991). **"Policy issues in the development of agricultural production cooperatives in grenada land reform"**. Journal of SME's Vol 1. No 2. pp. 85-93.
- 12- Bruder, W (1983). **"Innovation behavior of small and medium-scale firms: Reform Possibilities for R&D Policy-Making on the Federal State Level in the Federal Republic of Germany"**. **Research policy**, Vol 12. No 4. p. 213-27.
- 13- Davis, P (2001). **"The governance of co-operatives under competitive conditions: issues processes and culture"**. Corporate Governance, Vol 1. No

- 4, pp. 28-38 .
- 14- Didi, B. (2004). **"Short communication fishing cooperatives participation in managing nar shore resources: The case in Capiz, central Philippines"**. Fisheries Research, Vol 67. pp, 81-91.
- 15- Gagliardi, F. (2009). **Financial development and the growth of cooperative firms, small business economics**, Vol 32. No 2, p.231.
- 16- Gripsrud, G, G. H. Lenvik & N. V. Olsen (2001). **"Influence activities in agricultural cooperatives: the impact of heterogeneity the food sector in transition – Nordic Research – Proceedings of NJF Seminar"**. Norwegian Agricultural Economics Research Institute, No 313.
- 17- International Labor Office (ILO) (2000). **"Promotion of cooperatives job creation in small and medium-sized enterprises Fifth item on the agenda"**. International Labor Conference 89<sup>th</sup> Session 2001 Report, Vol.1, Geneva First published, printed in Switzerland.
- 18- Russoa, C., D. Weatherspoonb, C. Petersonb and M. Sabbatinia. (2000). **"Affects of managers' power on capital structure: a study of Italian agricultural cooperatives"**. Inter. Food and Agribusiness Manage. Rev. 3, pp. 27-39.
- 19- Shufang, Z. & P. Leonard (1998). **"Co-operative organization in rural canada and the agricultural co-operative movement in china: A comparison centre for the study of Co-operatives, University of Saskatchewan"**. Saskatoon, SK.
- 20- Tuijenman, a (2000). **"Education literacy and wages in poland in comparative perspective"**. Stokholms universtet. Sweden .
- 21- Verhagen, K (1980). **"Cooperatives and rural poverty: eight questions answered"**. Plunkett Development Series, No. 1, Oxford.
- 22- Wasylshy. N (1999). **"Living in a housing cooperative for low in com women: issues of identity, environment on control"**, nursing department at langana college, 100west 97 avenue Vancouver BC, Canada v 5Y226, pp. 9738-81.

Archiv